

BABİL- BABEL , ALAQAPI , ALAKAPI

بابل ، آلاقاپی

ق-ا- KA-DİNGİR ↔ (Türk) آلاقاپی ALA-QAPI ↔ (Türk) و لوقاپی ULU-KAPI
باب- BAB-İLU ↔ (Sumer) بوال و ABULA-İLU ↔ (Sumer) نگیری
↔ (Aramaic) ببل BABEL ↔ (Akkad) بابل و BAB-İli ↔ (Akkad) و
(Türk) بیل BABİL

عارف اسماعیل نیا 03 ت 1 ت 1031 Aref Esmail
Esmailnia

اصل این بصورت یک مقاله با اشکال و تصویر به ترکی نوشته شده و مطالب زیر اختصار آن است:

راجع به رابطه نام شهر "بابل" با "آلاقاپی" باید به "هم معنی" بودن هردو و هم ریشه بودن آنها از نظر "آیینی" اشاره نمود. قبل از وارد شدن به موضوع بابل به مضمون "آلاقاپی" می پردازیم که در ترکی به دروازه هایی گفته میشود که برای مناسبت یک حادثه مبارک یا پیروزی برپا میگردد. و معمولاً دروازه های ورودی شهر و یا وسط شهر و حتی یک منطقه بودند. بطوریکه ما آلاقاپی های متعدد در اردبیل ، تبریز ، استامبول و شهرهای مختلف داشتیم که بیشتر یادگار دوران سلجوقی ، ایلخانی ، صفوی و... بودند. این تقدس "دروازه" یا "در" و "درگاه"، بیشتر یادگار دین شامانیزم ترکی است که قدمت اش به قبل از دوران کشاورزی (قبل از دوران سومری) میرسد و سپس در بین سومریان (فرزندان کشاورزان) ادامه پیدا میکند تا به بابل برسد ولی در بین ترکان تا به حال ادامه دارد. سپس همین تقدس "قاپی"="در و درگاه" از طریق آناتولی و لیدیها و مهاجرت اتروسکها به ایتالیا میرسد و بصورت طاق نصرت Arco di Trionfo از اتروسکها وارد حکومت رومی یا جانشینهای آنها میگردد. در آناتولی هم همانند سومر و سپس بابل این دروازه ها دیده میشوند.

سنتریق قطبی "آلاقاپی" برای ووبه بهشت و سوم و ترک

در شامانیزم ترکی و تا دوران اخیر به خانه پدری یا آلاچیق پدری "اجاق" گفته شده و حالت تقدسی دارد. مطابق باور شامانیزم ترکان ورودی این آلاچقها را با ستاره قطبی (بصورت ستاره 8 یا 4 پر هم نشان داده میشود) مقایسه شده و همانند دانسته میشود. شامانیزم ترکان و فرزند کشاورز شده او یعنی دین سومریان معتقد به این بود که مردگان به دنیای زیر زمینی مردگان میروند ولی افراد خوب یعنی روحشان از طریق یک دروازه به بالا آمده و سپس از دو طریق به دروازه الله "تانری قاپی سی"ت "اولوقاپی" یا بصورت سومری اش "Ka.Dingir" یا همان ستاره قطبی رسیده و از آن وارد بهشت 8 طبقه آسمانها (7 یا 17 طبقه هم) میشوند. بر بالای طبقات بهشت آفریدگار یا به ترکی آن > تانری ؛ اولو ، آن-اوغان > ویا به سومری آن > دینگیر، ایلو ، آن > قرار دارد. محافظ دروازه و طبقات بهشت یک عقاب دو سر می باشد که در سومری بیشتر با آنزود برابر خوانده میشود.

صعود مردگان ورود به بهشت از طریق آلاقاپی" و سومر و ترک

صعود مردگان به این بهشت یا "اوچماق" و به پیش > تانری اولو..-دینگیر ایلو.. > از طریق درخت آفرینش و صعود شامانیکی انجام میگردد که نوک آن به ستاره قطبی رسیده و ریشه اش تا دنیای زیرزمینی و تاریک مردگان میرسد. طریق

دیگر صعود ارواح مردگان از طریق کوههای مقدس است (بخصوص کوههای شرقی در سومر) که ارواح مردگان بصورت ستاره گان به سوی ستاره قطبی یا دروازه آفریدگار تانری-دینگر میروند.

القایابی ها یا بابابل ها

ستاره قطبی یا دروازه الله <تانری.قایابی-آلا.قایابی-اولو. قایی> به ترکی و <قادینگیرت آبولو.ایللو> به سومری و بعد <باب.ایللو= بابل> به اکدی و آشوری) در فرهنگ سومری و شامانیکی ترکی و حتی بعد از اسلام جایگاه بالایی دارد. در فرهنگ سومری جایگاه "آلا قایی = قادینگیر" بسیار بالا بوده و افراد با وارد شدن از این درگاه خود را تحت محافظت خدایگان حس میکردند. در فرهنگ شامانیکی ترکی که قدیمتر از سومر بوده و ادیان سومری فرزندان کشاورز او بودند هم آلاقای بسیار مهم است. درگاه آلاچیق ها به عنوان مهم ترین مرز منطقه حفاظتی الهی یا "اجاق" محسوب میگردند. ترکان به خانه های "پدر بزرگی" و خانه های مقدس و متبرک : "اجاق" می گویند.

آلاقایی و "اوجاق" حافظ شده از طی "تانری" ، "یروسوب" ، "اومای" و... درین توکان:

در بین ترکان قدس "اوجاق" یا "خانه جدی" ، "خانه شامان" ، "خانه قهرمانان" و یا "گوگ باش" = "آلاچیق آسمانی" بسیار مرسوم بوده و رفتن ، نشستن و دعا در آن به نوعی "محافظت" ، "تداوی امراض" و "حلال مشکلات" محسوب میشد. این نوع تفکر شامانی "خانه مقدس اجداد" در گویکلی تپه ترکیه به خانه های "معبد" و خانه های مقبره ایی که در زیر آن "اجداد" دفن شده و روح یا "بیه"ی آنها به عنوان محافظ آن محسوب میشد. در ترکان این ارواح محافظ جدی ، ارواح شامانها و قهرمانان "آلپ-ار"ها بصورت حیوانات توتیمیکی همچون "مار" ، "شیر" ، "گرگ" ، "گوزن" ف "پرنده" و... در "اجاق" یا همان "آلاچیق" و "خانه" حضور دارند و خانه یا آلاچیق مقدس را از ورود "ارواح بد نظر" محافظت میکنند. چون ارواح بدنظر که با نگاه افراد بدنظر به طرف افراد میروند از آنها سلامتی و خوشبختی را ربوده ونهایتا افراد گرفتار را با خود به دنیایی زیر زمینی تاریک و سرد مردگان میبرند و سرنوشت شومی برای گرفتاران رقم میزنند. آلاچیق های ترکان باید بوسیله ارواح اجداد و ارواح خوب یا "بیه" ها مورد حمایت قرار بگیرد. چون این "بیه"ها در خانه و آلاچیق و پیرامون آن بصورت حیوانات توتیمیکی یا تک درختان مقدس (تک آغاج) ظاهر میگردند لذا وقتی این حیوانات مثلا در آلاچیق پیدا میشوند آنها را نمی کشند بلکه فقط با یک ماشه بدور می اندازند. درگاه و ورودی این آلاچیقا برای محافظت از ورود ارواح بد و بلایا به درون آلاچیق معمولا رل بزرگی بازی میکنند. ترکان و ترکمنها معمولا این در و درگاهها را مزین به طمغاهای مقدس دور کننده ارواح شرور میکنند و بر بالا و کناره های این درگاهها بافته هایی با طمغاهای مقدس و حیوانات "بیه" یا حیوانات ظهور ارواح و خدایان محافظ (اونقون ها) را آویزان میکنند. طمغاهای محافظ و حیوانات اونقون ایلات ترک قبلا مشخص شده و در تمام بافته ها و آلاچیق ها دیده میشود.

این <درهای مقدس ورودی> ، "محافظت شده" بوسیله "تانری" یا "اولو" که بعضی هایشان در بین تمام ایلات جایگاه ویژه ایی می یابد که با نام "آلاقایی" = "دروازه بلند" برای "اوجاقها" یا "دروازه خدا" نامیده میشوند. (در باستان بعضی از "دره ها" یک نوع "آلاقایی" برای ورود به سرزمین سعادت الهی محسوب میشد: مثلا "بوز قورد" با هدایت ترکان از یک دره آنها را از دنیای سردی و تاریکی نجات داده و به "سرزمین سعادت" راهنمایی میکند. تقدس بعضی از دره های مناطق آذربایجان از این قسم درگاه طبیعی محافظت شده بوسیله لطف الهی است. این تفکر "مکان مثبت و پر انرژی" بعدا در سومر هم مورد استفاده است که با برپایی معابد و زیگوراتها و مثل ترکان شامانیست با گشتن 7 باره از راست به چپ بدور آنها بلایا و شر را از خود دور بکنند و نمونه بعدی آن در اسلام طواف به حول کعبه ابراهیمی یا خانه خداست. همان تفکر در دین دیگر ابراهیمی یعنی یهودیت هم وجود دارد. و اعتقاد شامانیکی ترکان به آلاچیق در طول هزاران سال با "درگاهها" ، "خانه ها" و "دیوارهای مقدس" دوباره در ادیان ابراهیمی تجلی میکند.)

گشای آلاقایی و "اوجاق" آلاچیقی و "گوگ باش" به "منجد" ، "دروازه" ، "شهر" ، "بازار" و...:

سمبله "آلاقایی" ، "اولو.قایابی" ، "تانری.قایابی" کتی و سمبله "قای.منگ" ، "قای.لو" ، "آوالی.لو" در سومری:

"آلاقایی" ها و درها و درپوشهای آلاچیق ها در بین ایلات ترک برای هزاران سال از دوران شکار یعنی قبل از اهلی شدن حیوانات و شروع دوران کشاورزی مطابق آئین شامانیکی به عنوان مرکزی محافظتی از حیوانات وحشی ، امراض و ارواح خبیث محسوب شده و خود درها و پرده های ورودی با طمغاهای ردکننده این بلایا پوشانیده میشد. تعداد زیادی از این

طمغاها (ایدئوگرامها) و پیکتوگرامها بر روی پوستهایی کشیده میشد که به عنوان محافظ و پوشش برای آلاچیق استفاده میشد و یا بر روی تنه درختی کنده میشد که در قسمت درگاه بکار گرفته میشد.

این چوبها و ستونهای پر از اشکال بعد از 00333 سال جدایی ترکان از بومیان امریکا (سرخپوستان) با آنها به امریکا می‌رود. در واقع این ستونهای ورودی دو "دیرک زایش شامانی" یا دو درخت حیات بودند. برای مثال می‌توان این دو دیرک حیات شامانیک را می‌توان در ساختار و جلوی یک آلاچیق دید که در شکلی دیده میشود که بر روی یک دیسک پیدا شده در دشت ارژن فارس پیدا شده است. این ستونهای مقدس در سومر هم هستند و حتی بصورت دو ستون به نواری از بالا به هم پیوسته هم دیده میشوند.

این ستونهای ورودی در آلاچیق ترکمنی بوسیله یک نوع بافته U شکل تزئین می‌گردند که بر روی آن نقوش تمغاهای توتمیکی ترکی بافته شده است.



این باعث میشود که این ورودی های آلاچیق ترکمنی با این بافته هار بر کنار و بالای در حالت "درگاه" و "دروازه مقدس" یا "آلاچی" بخود گیرد. آلاچیها با این بافته های نقوش دار از ورود "ارواح خبیث" و "بد نظر" بدور بوده و ساکنین آلاچیق ها از "بلایا" بدور نگه میدارد. این نقوش در شامانیزم نشانه محافظت خدایان (بخصوص الهه اومای یا همای) از این

آلاچیق است. تمغاها و حیوانات توتیمیکی هر ایل مشخص و جدا از دیگری بوده و بیشتر شامل "عقاب"، "شیر"، "گرگ"، "مار"، "عقرب"، "گوزن"، "بزکوهی"، "گرگ" و.... ویا مخلوط این حیوانات مانند "اژدها" و "گریفونها" می باشد. همین "تمغاها" و "توتنها" بر روی پارچه های نواری بافته شده و بدور دیواره بیرونی و درونی "آلاچیق" ها بسته می شدند. همین نوع بافته ها و اشکال آئینی بر روی گنبد آلاچیق چه از بیرون یا درون بکار گرفته میشد جاییکه گل وسط گنبد آلاچیق مقدس بوده و جایگاه تانری=الله محسوب میشد و بقیه بصورت دایره های موازی هم مرکز جایگاه 7-8 یا 17 طبقه بهشت آسمانها=اچماق بودند.

تمام این اعتقادات به درگاه و گنبد و ستون بعدا در معماری اسلامی سلسله های ترکی به اجر و ساختار معماری مساجد منتقل میگردد.

آلاقیوهای آلاچیقای معبدی آبی رنگ (گوگ باش) به مساجد سلسله های قره خانی، ایغوری، خوارزمشاهی، غزنوی، سلجوقی، مغولی و ایلخانی تا صفوی و افشاری منتقل میگردد. آلاقیی ها از در مسجد بسیار بالاتر زده و حالت تقدسی خود را اعلام میکند که ما آنها را ایوان می نامیم. این درگاهها برای اینکه از ورود ارواح خبیث از چهار جهت عالم مسجد را محافظت کند به چهار دروازه یا چهار "آلا قایی" در چهار جهت ارتفاع می یابد. (این آلا قایی ها در بابل با نام خدایان مختلف و با نقوش حیوانات مختلف در ورودی بهای شهر دیده میشود).

در مورد این آلاقیی ها و گنبدهای ترکی گفته مشهوری است که اولجایتو با زور نقوش چادر خود را به گنبد سلطانیه منتقل میکند (چون تعدادی از علما مخالف بودند). باز ما رنگ گنبد آبی و نقوش روی آنرا و علت اش را باید در آلاچیق های مقدس آسمانی و آبی رنگ "گوگ باش" باید جستجو بکنیم که شکل گنبدی آلاچیق را همان گبه عالم شامانیکی دانسته و طبقات بهش آسمانی (اوجماق) را بر روی آن کشیده و در مرکز و راس گنبد جایگاه تانری=الله را می گذاشتند که بصورت انواری بصورت ستاره 8 گوشه یا 11 گوشه و یا ... نشان میدادند.... خیلی وقتها این اشکال از درون و بیرون با استلاگنیتهای نشان داده میشود.

نوارهای دیواره آلاچیقا بصورت نوارهای آیه یا باز اشکال تمغایی به درون و بیرون گنبد مساجد این سلسله ها منتقل شده و با اجر، سنگ، گچ یا کاشی ساخته میشود.

ولی در مورد آلاقیی ها یا درگاههای آسمانی مقدس ما آنها تنها در ورودی مساجد نمی دیدیم بلکه بمانند سومرو بابل در همه جای شهر یافته میشود: "درگاه های مقدس خانه های سلجوق"، "درگاههای کاروانسراها یا محافظین مسافری"، "درگاههای بازار و تیمچه ها"، "درگاههای آلاقیی میدانها و محله ها"....

در دوران چاتال هویوک ترکیه یعنی 13033 سال قبل باز ما این ستونهای مقدس را در ورودیها درون خانه ها برای محافظت می بینیم. در سومر باز درگاههای مقدس بسیار رایج است. در آناتولی ما باز درگاههای مافظت شده شهرها بوسیله دو شیر در دو طرف درگاه را می بینیم.

در آنریلیجان که به تقدس اجاق یا خانه های مقدس ایمان زیادی است به درها ی این اجاقها تکه پارچه ای شفا (شالما) بسته میشود، به این درها نذر شده و ورود و خروج از این درگاههای (آلاقیی ها) با احترام خاصی انجام میگردد.

بابل ی ا ش آلا قایی ها

در مورد بابل باید گفت که نه تنها نام "بابل" در سومری و سپس آکدی و آرامی به معنی "در خدا" یعنی "آلاقیی" است بلکه درهای مقدس و درهای خدایان بابلی هم بسیار معروف بوده و در موزه لور فرانسه یکی از آنها به نمایش گذاشته شده است که بر روی آن نقوش "تمغاها" و حیوانات توتیمیکی دیده میشود. این حیوانات شامل شیر، گاو و یا گریفونها می باشد که در واقع به نوعی "بافته های" آویزان حول درگاه آلاچیقا را تداعی میکند. در ساخت پرسپولیس هم که خیلی چیزها از بابل گرفته شده است باز ما در ورودی را بصورت دو ستون دارای سر گاوها (مثل بابل) و یا گریفونها (مثل بابل) دیده میشود.

ریشه یابی نام "بابل" و سومری و آکدی ب م عنی "در خدا" ی الل قایی :

نام شهر بابل که ریشه ایی "آکدی" و در واقع "سومری" دارد بصورت  نوشته میشود.

نوشته  در آکدی بصورت <باب. ایلو bab.ili> یا <باب. ایلو bab.ilu> و در سومری بصورت <قا.دینگیر ka.dingir> هر دو به معنی "دروازه خدا" = "آلا قایی" خوانده میشود. در واقع "باب. ایلو" و "باب. ایلو"ی آکدی هم از ریشه سومری است. در نام "باب. ایلو"ی آکدی ما داریم "باب" = "در" که در عربی هم دیده میشود و "ایلو" =

"الاه" = الله . ولی هم "باب" = "دروازه" و "ایلو" = "خدا" همگی ریشهٔ سومری دارند چون در سومری "ایلو" = "دینگیر" = "خدا" که معادل و هم‌ریشهٔ ترکی آن "اولو" = "تانری" ، "دینگیر" = "خدا" است. و لغت آکدی "باب" = "دروازه" ریشهٔ سومری داشته و بصورت "آبولا" = "دروازه" در سومری دیده میشود که این لغت بیشتر با "دولاب" ترکی هم‌ریشه است.

(sumer) ٲهانگی یر ka.Dingir < 2 > ↔ (Akkad) ٲ.ایلو bab.ilu < 1 > باب Babel

< 1 > bab.ilu (Akkad) ٲ.ایلو

(Akkad) ٲ.ایلو bab.ilu ↔ (Akkad) باب bab ↔ (Akkad) ٲ.ایلو

در ، باب ، دروازه ↔ (Türk) قاپی Kapı ↔ (Türk) دولاب dolab ↔ (sumer) آبولا abula ↔ (Akkad) باب bab ↔ (Akkad) باب bab ↔ (Akkad) ٲ.ایلو ilu ↔ (Aramaic) ایلاه ilah ، ایله ilhe ↔ (Türk) اؤلۇ ulu ↔ (Akkad) ٲ.ایلو ilu ↔ (Sumer) ٲ.ایلو ilu ↔ (Arab) الله

در لغتنامهٔ برای "آبولا" = "دروازه" در سومری داریم :

[abula \[GATE\]](#) wr. abul; abul-la; a-bul₅-la "gate" Akk. *abullu*

دروازه در لغت سومری "دولاب" لغت ترکی "دولاب" یک ریشهٔ هاشن و احتمالاً "دولا" ی سومری با آوال = "دروازه" ای دزاک ریشهٔ هاشن:

dula

[dula \[DEPTH\]](#) wr. Du₅-la₂ "depth; part of a door (lower pivot?)" Akk. *šuplu; mušpalu* وال ب

لغت سومری "ایلو" = "خدا" با لغت ترکی "اولو" = "آلا" = "خدا" ، "بلند" از یک ریشه بوده و همین لغت سومری "ایلو" = "خدا" بصورت "ایلو" به آکادی وارد شده و سپس در زبانهای سامی بعدی بکار گرفته میشود مثلاً بصورت "ایلاه" در آرامی و بصورت "الاه" و "الله" در عربی :

ilu

[ilu \[GOD\]](#) wr. ilu "god" Akk. *ilu*

نتیجه: بن آککاد سومری، "باصیل و" بمعنی "دروازه خدا" در کوی بصورت "قاپی" ب امان عینی و هم‌ریشه با سومری آن میباشد.

< 2 > ka.Dingir (sumer) ٲهانگی یر

(sumer) ٲهانگی یر ka.Dingir ↔ (sumer) قاپی ka ↔ (sumer) ٲهانگی یر ka.Dingir

لغت "باب-ایلو" بصورت "کا.دینگیر" هم در سومری خوانده میشود. و با تجزیهٔ این لغات به دولغت تشکیل دهندهٔ آن به فرمول بالا می‌رسیم و در پایین به تحلیل این دو عنصر تشکیل دهنده در لغتنامه های سومری و معادل و هم‌ریشهٔ آن در ترکی می‌پردازیم:

در ، دروازه ↔ (Türk) قاپی kapı ↔ (sumer) قان، قا kan, ka

دینگیر ، تانری dingir, tanri ↔ (sumer) دینگیر dingir ↔ (sumer) دیمیر dimer ↔ (sumer) دیگیر digir

تانری ، تار ، خدا ↔ (Türk) (Türk)

برای لغت سومری "قا" = "در" و هم‌ریشه با لغت ترکی "قاپی" = "در" در لغتنامهٔ سومری دانشگاه پنسیلوانیا داریم:

[kan \[GATE\]](#) wr. kan₄; **KA** "gate, door" Akk. *bābu*

برای لغت سومری "دینگیر" = "خدا" هم‌ریشه با لغات ترکی "دینگیر" ، "تانری-تاری" = "خدا" (بصورت "دینکرت" از طریق آرامی با زبان بومیان ماقبل هخامنشی وارد فارسی میشود و بصورت "دین" در عربی دیده می‌شود.) و هر دو هم‌ریشه با لغت عربی "الله" در لغتنامهٔ سومری دانشگاه پنسیلوانیا داریم:

god

[diġir](#) [DEITY] wr. diġir; dim₃-me-er; dim₃-me₈-er; dim₃-mi-ir; **di-me2-er** "deity, god, goddess" Akk. *iltu*;
ilu

نتیجه : لغت و نام سومری "قا.دینگیر" هم باز هم هم‌ریشه و هم معنی با ورژن ترکی آن "آلا.قای" می باشد.



سمت راست یک آلاچیق ترکمانان آناتولی و سمت چپ یک آلاچیق شامانی ترکان



مراسم "آرنئماق" = "تمییز شدن" در مقابل یک "اوبو-آلاچیق" که بعضا "گوگ باش" نامیده میشود. این "اوبو" ها در واقع دروازه های صعود ارواح و شامانها به پیش تانری هستند. جالب اینجاست این را در بین سرخپوستان یا برادران 00333 ساله ترکان هم می بینیم که در درون این نوع چادرهای بخصوص به ترانس یا خلسه رفته و با روح بزرگ آسمانها که آنها هم "تانری" می نمند تماس میگیرد.



یک اوبوی آلاچیقی یا خلنوگاه کوهستانی برای تماس با خدا در شامانیزم این نوع خلوتگاههای باستانی ترکان در کوهها بعداً "پیر" نامیده شدند و لی خیلی از آنها بعد از ایلخانیان به امامزاده تبدیل شدند (که البته در اسلام نیز محلات مقدس و پر انرژی وجود دارند و از آن در قرآن نام برده میشود). معماری این آلاچیقهای مقدس باید یا گنبدی و یا مخروطی باشند چون باید کوه صعود ارواح به آسمان و تماس با پروردگار را سمبلیزه کنند.



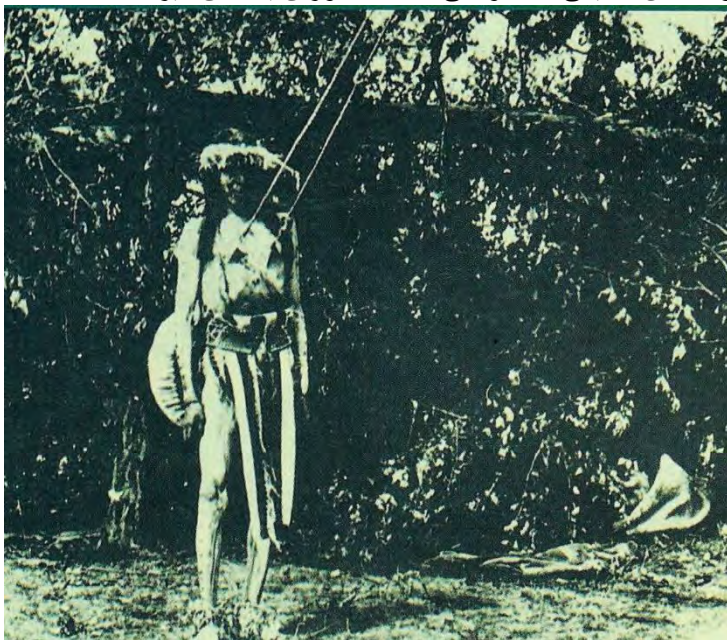
یک "ابو"ی شامانیک و یا "گوک باش" = "گنبد آبی رنگ آسمانی" در مغولستان که بست شدن پارچه های نذری برنگ مقدس الله یا آبی بصورت پوشیده از آبی درآمده. همین رنگ آبی بعدا با کاشی به گنبد مساجد و مقابر سلسله های ترک در نقاط مختلف جهان انتقال می یابد. رنگ آبی در بین سومریان هم الهی محسوب میگردد که بعدا به دروازه های بابل هم منتقل میگردد. در تبریز "گوک مسجد" یا "مسجد آسمانی" و "پوشش آبی" آلاقایی ورودی و کل مسجد استمرار یک تقدس هزاران ساله رنگ آبی در بین ترکان منطقه است.



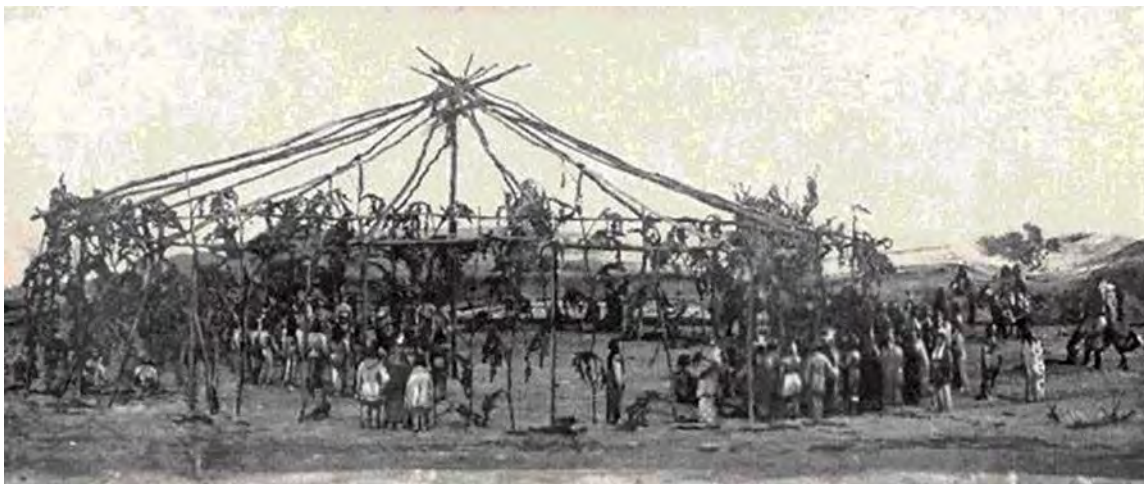
یک اوبوی مقدس شامانی با درخت حیات در وسط آن (مراسم تمییزی شمانیکی بومیان امریکا که با ترکان هم‌ریشه هستند)



مراسم تمیزی "رقص خورشید" با مراسم عروج بوسیله پنجه های "عقاب" به آسمان همراه است. تمثیل عقاب آسمانی بین شامانیسم ترکان و سرخپوستان بسیار قوی هست. این مراسم بین ترکان هم موجود است مخصوصا بید در اویش علوی ترک بسیار بکار میرود. در خلخال این نوع قفل بندی در عاشورا در خانه آقا میر سئیب ذبیحی صبح زود شروع میشد (خانه اجاق محسوب میشد) و با زدن طبل ها و کمی مالش پوست "اوخ سانجان" ها آنها به نوعی ترانس می رفتند و بعد هیچ دردی حس نمی کردند و سپس به بدن آنها چهار نیزه بصورت عمودی زده میشد و به بالا این چهارتا آتش افروخته میشد سپس قلابهای مختلف به بدن آنها فرو شده و از آنها وزنه ها آویزان میشد (0 کیلویی و...) جمع وزنه ها حتی به 03 کیلو هم می رسید و آنها در مقابل دسته ها براه می افتادند و گاهی علاوه بر این قلابها و نیزه های در بدن رفته قمه هم می زدند. و البته فردای عاشورا دوباره به سر کار و مشغله خود می رفتند... این نوع "تمیزی" در مراسم مختلف بین "علویها" و "قرلباشها" بصورت روتین برای تمیزی و عروج انجام میگرفت مثلا ترکان علوی آذربایجان غربی خیلی به این مراسم دست میزدند و زنند. قدمت این مراسم به اندازه "الا قاپی" و "گوک باش" قدیمی است و حتی به ماقبل دوران یخبندان میرسد.



مراسم "اوخ ساچاق" ترکی در بین شامانیستهای بومیان امریکا در کنار "اوبو" های مقدس برای تمیزی و عروج بسوی "روح آسمانی"



مراسم تمییز شدن و عروج شامانیکی به آسمان در بین سرخپوستان یا بومیان امریکا که 00333 سال قبل از ترکان جدا شدند. این مراسم که به "رقص خورشید" معروف شده است در زیر "اوبو"ی مقدس یا "آلاچیق آسمانی" شامانیکی انجام میگردد.



قزاقستان : ابوهای مقدس که تبدیل به آجری شده اند و شبیه امرامزاده های ما هستند.



مغولستان ت اوبوهای شامانیکي بصورت پیرامید.... قدیمترین پیرامیدهای دنیا در قزاقستان با این تفکر ساخته شده اند و در ضمن بزرگترین پیرامیدها هم در مناطق ترکی چین مطابق این تفکر درست شده است. درست نمودن "اوبوها"ی مقدس با مهاجرت سرخپوستان تا امریکا هم رفته و آنها پیرامیدهای مختلفی را در مکزیک و... درست نموده اند.



تبریز یک مقبره معروف به اصلی و کرم یعنی دو عاشق معروف به عنوان محل عروج



توآ 1333 ت مراسم شامانیکی در مقابل یک آلاچیق مقدس. جالب است که شامان بر روی پوستین یا قالی عروج ایستاده ، این نوع قالی های عروج بعدا در قالی بافی ما و تمغاهای روی آن تاثیر دارند. پوستین عروج برای این لازم است که شامان فقط سوار بر حیوان اونقون (مانند گوزن ، قوچ و....) می تواند به دروازه تانری عروج کرده و از آن وارد شده و به پیش "تانری" در "اوچماق" برسد. بر پوستین عروج نشستن از شامانیزم به دراویش ترکمان مسلمان میرسد و قالی پرنده حضرت سلیمان هم باز از این قالی عروج شامانیکی یا پوستین عروج الهام گرفته شده است. به هر حال این عروج شامانی در خود آلاچیق آسمانی یا آلاقای یا مقابل این مکان هم صورت میگیرد.



یک "آلاقایی" شامانیکی بر بالای یک "اوبو"ی کوچک که دروازه خدا را سمبولیزه میکند. محل این عکس در سیبری بین ترکان شامانی است. دروازه های تنها در کوهستان تماما آلاقایی ها را سمبولیزه میکنند.



یک یورت یا آلاچیق آسیای میانه با ورودی پر از تمغا و محافظت شده از طرف تانری کناره های در و سردی بسیار مهمند



یک یورت قاراقالپاقی با آلاچیق محافظت شده از طرف تانری...کناره های در و سردی بسیار مهمند و پر از تمغای محافظ قاراقالپاقها هستند



Ruined Iwan of the Mosque of Mohammad Khorezmshah, Misrian, Balkan Province,
Turkmenistan

درگاه مسجد محمد خوارزمشاه در ترکمنستان که همان نقوش نوارهای بافته را بصورت آجرچینی و تمغاهای محافظ نشان میدهد. آیات قرآن هم برای محافظت بصورت تلفیقی با تمغاهای محافظ در حول در ورودی این "آلاقایی" یا "دروازه آسمانی" مسجد دیده میشود که مسجد خود نیز مثل یک پورت گنبدی شکل و پر از تمغاها با تلفیقی از آیات مقدس می باشد. حول آلاقایی ما تمغاهای محافظ ترکان خوارزمشاهی و سلسله ایشان را می بینیم.



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سردرهای یورتهای قرن اخیر ترکمنان از ارواح شر . با این سردرهای آلاچی مانند یورتهها مورد محافظت تانری یا خدا قرار میگرفتند. این نوع سردرها بعدا با اجر و سنگ هم برای تمام سردرها بکار گرفته می شد. بدین صورت سردر ها و دور درها با این تمغاهای محافظ به آلاچی های کوچک برای آلاچیق جدی خانوادگی یا "اوجاق" های خانواده تبدیل میشد.



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سر درهای پورتهای قرن اخیر ترکمنان از اوجاقهای خانوادگی را از ارواح شر-ارواح بدنظر دور نگه میدارد.



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سردرهای یورتهای قرن اخیر ترکمنان که درها را به "آلاقایی" های خانوادگی برای آلاچیقهای جدی یا "اجاقها" تبدیل میکند. تقریباً خانه-یورت هر ترکمن "اجاق" محسوب شده و حالت تقدس دارد. برپایی آلاچیق در بین ترکان با مراسم دعا و معمولاً بدست خانمهای پیش کسوت خانواده انجام میگردد.



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سردرهای یورتهای قرن اخیر ترکمنان که درها را به "آلاقایی" های خانوادگی برای آلاچیقهای جدی یا "اجاقها" تبدیل میکند. تقریباً خانه یورت هر ترکمن "اجاق" محسوب شده و حالت تقدس دارد. برپایی آلاچیق در بین ترکان با مراسم دعا و معمولاً بدست خانمهای پیش کسوت خانواده انجام میگردد.



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سدرهای یورتهای قرن اخیر ترکمنان برای دور نمودن ارواح شر و بدنظر



نوارهای بافته یا دوخته های پر از تمغاهای محافظ سردرهای یورتهای قرن اخیر ترکمنان برای دور نمودن ارواح شر و بد نظر



عکس 133 قبل صحن امام حسین سردر بلند با نوارهای پیرامونی پر از تمغاهای محافظ. ستونهای بلند و پر از تمغای جلو و ستونهای کنار بیشتر حالت ستونهای قاین آغاجی عروج روح رایج در بین ایلخانیان را دارد که "درخت زایش" یا "درخت

حیات" هم نام دارد. جالب اینجاست که همین ستونها در بین سومریان هم برای نیایش بکار گرفته میشود چون درخت وصل به آسمان است. در قرآن همین سنت سومری باز دیده میشود و در جاهای مختلف "الله" در زیر یا بوسیله درختان مقدس با پیامبران حرف میزند. ستونهای مقدس ترکی-سومری بعدا در آکدی و آشوری و بابلی هم دیده میشود. در آناتولی این ستونهای مقدس به وفور دیده میشود و بعدا بوسیله ارتوسکها و یونانیان به اروپا میرود. در اروپای دوران رنسانس آنرا بصورت دکوری قبول میکنند و بکار میگیرند ولی معنی واقعی "اوردینه" را و "چرای" آنرا در ساختمان را نمیتوانند توضیح دهند چطور که نسل معماران 033 سال اخیر دیگر هیچ اطلاعی از این سرستونها و چرای تقدس آنها ندارد....



خیو (مشگین شهر) مقبره شیخ حیدر- در اینجا ما باز حول درگاه نوارهای "طمغا" و آیه را می بینیم که آنرا به درگاه محافظ "آلاقایی" تبدیل نموده و بلایا را برای زیارت کنندگان دور میکند. حالت استالائیت بالای در یک صعود به بالای آسمان تربت را نشان میدهد. بر بالای آن شکل گنبدی آلاچیق گوگ-باش دیده میشود. خود دیواره استوانه (دیواره آلاچیق) ادغامی از اشکال تمغایی با کلمات مقدس اسلامی است، همین نوع اشکال تمغایی بر بدنه های آلاچیقای مقدس و مهم هم دیده میشود..

Tabriz Gkn Mescid



تبریزت (گوگ مچید) ((Tabriz Gkn Mescid مسجد آسمانی تکیود؟)
نام گوگ مچید یا مسجد آسمانی را باید مرتبط با خود مسجد دانست همانطور که ما گوگ-باش را به عنوان آلاچیق مقدس و آبی رنگ در بین ترکان داریم و رنگ آبی آن هم در اینجا باز از این گوگ باش گرفته میشود که بعدا به رنگ مساجد هم تبدیل میشود. در اینجا ما حالت درگاه مسجد بصورت "آلاقایی" برای "گوگ باش" آلاچیق (یورت) های مقدس را می بینیم که حول درگاه آلاقایی که برای نشان دادن "آسمانی" بودن اش بسیار بلند ساخته شده است در حالیکه در ورودی بسیار کوچک است. در دور آن بر روی کاشی ها نقش "گوگ دیرکلری" (درختان آسمانی یا همان درخت حیات) است که در درون آن طمغاها بصورت زیبایی جاسازی شده است. یک نوار آیه نیز به موازات این "درخت حیات پر طمغا" به حول درگاه "آلاقایی" = "درگاه الاهی یا آسمانی" می چرخد. چندین ستون استوانه ایی که باز سمبل "گوگ دیرکلری" (= "قاین آغاجی" = "شامان دیرکی" = "درخت شامانیکی عروج با درخت حیات") است. باز این "دیرکهای عروج" به آسمان از دو طرف آمده و با هم در جایی که سمبل آسمان در وسط است یکی میشوند یا به طرف آسمان ادامه پیدا میکنند. این ستونهای استوانه ایی نازک یا بوسیله نقشهای درخت حیات با طمغاهایی در درون آن دیده میشوند، یا اینکه برسم شامانیکی بصورت حلزونی درآمده اند تا صعود گردان و طواف مانند بسوی تانری-الله را از طریق درخت حیات یا درخت عروج نشان دهند. طوافهای ترکان از راست به چپ به حول اوبوها (تپه های سنگی آرزوها و نذرها) به اندازه 1 یا 0 یا 7 بار انجام میگردد و قوچهای قربانی نیز بدین صورت حول آن میچرخد. چرخش از راست به چپ حول "اوبو" چرخش کائنات و ستاره گان در آسمان در

طول سال به حول ستاره قطبی (قازان گوگ) یا دروازه تانری-الله برای شامانیزم و اسلام ترکی را نشان میدهد که در
سومری هم هست .



تبریزت (گوک مسجد) Tabriz Gök Mescid مسجد آسمانی تکیود؟
در عکس بالا می بینیم که کلا این دروازه خدا برای عروج به آسمان و پیش خدا با درخت حیات مزین شده که نوک آن به
دروازه خدا میرسد (مطابق تفکر ترکان) و باز در سمت راست می بینیم یک ستون استوانه ایی پیچان حلزونی به شکل
درخت حیات شامانیکی در درون این دروازه دیده میشود. در نوار سمت راست این ستون پیچان بصورت یک گل لوزی
شکل با شکلی در هم بافته درون اش که به آن تمغای "قلب عقرب" ترکان گفته میشود و نشانه بخت و شانس است و سمبول
یک گروه از ستارگان در آسمان است. این تمغا را سلسله های مختلف ترک آن را بکار میگیرند.
بصورت گلهای 0 برگ هم طمغای "چنتومانی" و همچنین "آند"="قسم" را می بینیم و در سمت راست ما "طمغای" اوز را
می بینیم که با کلمه "الله" بوجود آمده تمغای "اوز" همان "تمغای تانری" = "تمغای خدا" هم هست و از تمغاهای "افشار"
محسوب میگردد.







عکسهای مختلف از گوک مجید تبریز با طمغاهایی که بصورت گل‌های درخت حیات در آمده اند ...



Sumerian Star Gate

Sumer ABZU Ea stands in his watery home the Apsu

یک مهر سومری بریل بوکت که یک دروازه بخایانی دروازه خدای - Ea و بوکتب آب و بوکتب را نشان می‌دهد. در دو ستون کناری درگاه ما الهی بودن آن را می‌بینیم. در دو طرف درگاه دو بخایان دفع می‌شوند. خداه در سومری بازنقش‌ین در شامانی‌ی بوکتی دارا کاله های تلخ‌دار مس‌تقد.



در بالا یک مهر سومری است که احتمالاً <"اوتو" = "اوت" (سومری و ترکی) = "آتس" ، "خورشید"> را نشان می‌دهد که خدای خورشید و نور سومری محسوب می‌گردد، در ترکی ما "گون خان" و انواع خدایان یا ارواح "آتش" را داریم که با "اوتو"ی سومری هم‌ریشه هستند. در ایکونوگرافی سومری "اوتو" بصورت یک خدای دارای کلاه پر شاخی نشان می‌دهند که با یک شمشیر احتمالاً برنزی و داس مانند از پشت کوههای مقدس مشرق (زاگرس) طلوع کرده و سیاهی را با شمشیر و داس می‌چیند و خود را نشان می‌دهد. در دو طرف این خدای روشنایی "اوتو" ما دو ستون درگاه "آلاقای" ، "دروازه خدایان" را می‌بینیم که هر یک از این دو ستون بر بالایشان دو حیوان شاخدار (در ضمن شبیه شیر) دیده میشوند. این درگاه عروج محافظ خدای روشنایی "اوتو" را در میان دارد و در دو کنار اوتو ما دو نوشته-تمغای سومری را می‌بینیم که در واقع نام خدایان یا مرتبط با خدایان است چون ستاره 8 پر در سومری <"آن" ، "ایلو" ، "دینگیر" = "خدا و آسمان"> را نشان می‌دهد و در ترکی به سه نام خدای آسمان سومری بصورت معادل داریم : <"آن" (سومری) = "آن" ، "اوگان" (ترک) ، "ایلو" (سومری) = "اؤلؤ" ، "آلا" (ترک) ، "دینگیر" (سومری) = "تانی" ، "تاری"> بر بالای تمغای سومری این تمغای "دینگیر" دیده میشود .



یک مهر سومری که طلوع "اوتو" خدای روشنایی از پشت کوههای مشرق با داسی در دست برای درو سیاهی و ظلمت دیده میشود از پشت اوتو شعاع خورشید و نور دیده میشود و بر روی سر اش کلاه-تاجی دارای شاخها دیده میشود. درگاه این خدا یا معادل "آلاقایی" ترکی از دو ستون عروج تشکیل یافته که معمولا این ستونهای مقدس در سومری هم بصورت تک ستونهایی پر از تمغا دیده میشوند که به قسمت تقسیم میشوند تا "دیرک عروج شامانی" را سمبولیزه بکنند. قسمت زیرین ریشه های این درخت حیات شامانی است که همانند شامانیزم در سومر هم این ریشه ها تا دنیای زیر زمینی مردگان می رود و گذشته و درگذشتگان را نشان میدهد. قسمت وسط دنیای ما و زندگان و زندگی و زمان حال را نشان میدهد. قسمت بالا مربوط به خدایان در آسمان، بهشت و دنیای آسمانی و ارواح خوب است که در آنجا آینده و سرنوشت را رقم می زنند. دو خدای کوچکتر این دو دیرک آسمانی یا الهی را نگهداشته و "آلاقایی" (ترکی)، "تانری قاپیسی" (ترکی)، "باب ایلو=بابل" (سومری)، "قاب دینگیر" (سومری) را نشان میدهد.



دنیای و جهان کوسمولوژی سومری نشان میدهد که ارواح مردگان خوب از دنیای زیر زمینی بوسیله دری الهی در بالای کوهها بیرون آمده و بصورت ستاره گان به آسمان و بهشت آسمانی سومری (آن یا آشما=سماع) صعود نموده و به پیش خدای آسمان ایلو(اولو-آلا) می رسند. این دروازه بهشت یا آلاقای سومری در اینجا دیده میشود. در ثمت وسط باز ما یک زیگورات صعود را می بینیم که در زیر آن برزخ قرار دارد و از تونلهای بالای آن باز می توان به زیگورات رسیده و عروج نمود.

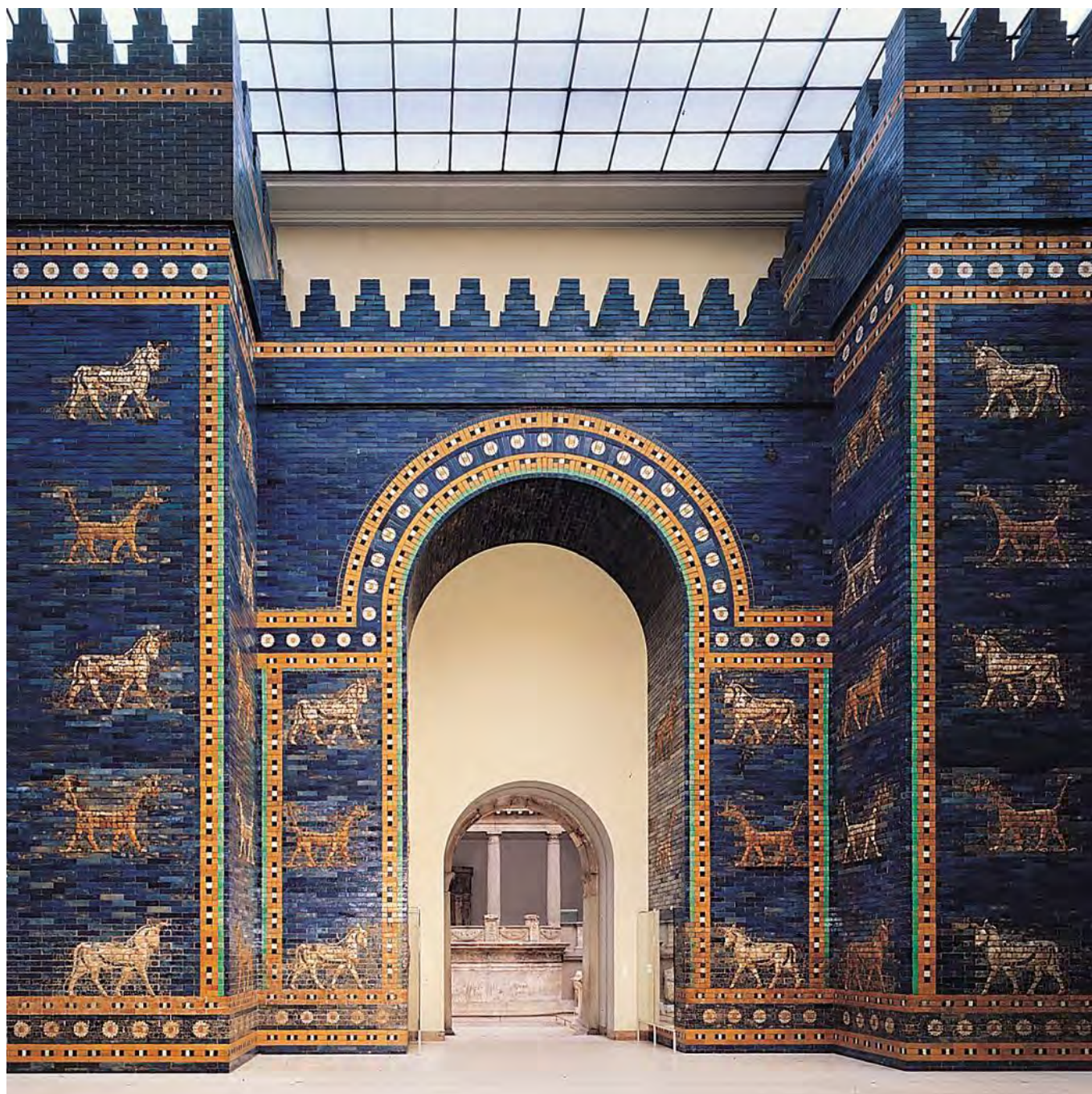


side_gate_of_citadel

یک دروازه ورودی بابلی که در دوطرف آن دو ستون بصورت دو خدایگان-حیوان شاخدار آنرا محافظت کرده و درگاهی الهی و "آلاقای" محسوب میگردد.



آناتولی یک درگاه ورودی الهی یا "آلاقپی" که بوسیله دو شیر الهی محافظت میگردند که همانند "آلاقپی" های بین النهرینی است.



بابلت دروازه ایشتار
دروازه الهه ایشتار (اینانا) در بابل که حیوانات شاخدار محافظ شهر از آن محافظت میکنند یک طمغای محافظ نیز بصورت
نواری بر بالای طاق در دیده میشود.



بابل دروازه شیر ---

در اینجا در پایین ما شیران محافظ این درگاه الهی را می بینیم . بر بالای آن ما ستونهای مقدس الهی عروج با سر ستونهای شاخدار می بینیم. این نوع ستونهای شاخدار عروج هنوز هم بر بالای قبر ترکمنان بکار گرفته میشوند. تعدادی از طمغاهای محافظ بصورت نیمه پیکتوگرافی بصورت نواری حول دیواره این "آلاقی" می چرخد.



یک چادر-بورت پادشاهی از ترکان ایران در موزه کلبولندت در دیواره این چادر ما طاقچه هایی را می بینیم که درختان حیات شامانیکی و اسلامی (شجره طیبه) از آنها درآمده و در دورشان نوارهایی پر از طمغای محافظ میگردد و سپس گنبد چادر یا آلاچیق را می بینیم که بصورت گنبدی است و درختان حیات دیواره از آنجا بصورتی چرخان به سوی مرکز گنبد یا دروازه خدا رفته و نوکشان بدانجا میرسد. حول هر درخت گنبد آلاچیق یا آسمان را با نوارهای طمغاهای محافظ گرفته اند. این نوع "گوک باشها" و آلاچیق های خاقانها و پادشاهان در ساخت مساجد و تربتها و کاشی کاریشان تاثیر مسقیم داشتند. و ذهنیت سازنده مسجد ، بازار و کاروانسرا و سردریها و... همان ذهنیت سازنده آلاچیق ها ، اوجاق ها ، آلاقای ها ، گوک باشها ، دیرکهای عروج و بافندگان قالی های پر از تمغاهای محافظ بود....